

ژان مولن که بود؟

هرمز همایون پور

آیا قهرمان نهضت مقاومت فرانسه عامل شوروی یا امریکا بود.

یا میهن پرست مبارزی در حلقه وفاداران ژنرال دوگل؟

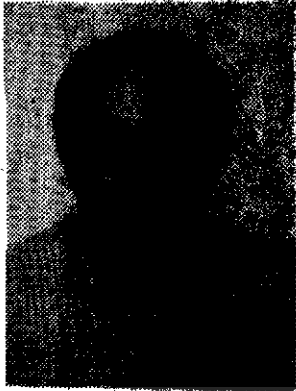
بررسی دو کتاب متضاد!

۳۴۸

وقتی خاکستر ژان مولن در سال ۱۹۶۴ در پانتئون، مقبره قهرمانان فرانسه در شهر پاریس، به خاک سپرده شد، رهبر محبوب نهضت مقاومت و شهید راه مبارزه با نازی‌های اشغالگر، رسماً مظهر و نماد دوران مبارزه زیرزمینی علیه آلمان‌ها در جنگ جهانی دوم شناخته شد. خاطره ژان مولن چنان مقدس است که اصحاب تاریخ‌نویسی به زحمت می‌توانند، بی‌آنکه جنبه‌الی عاطفی برانگیرند، درباره او و نقش و افعیش کتابی منتشر کنند، اما این درست چیزی است که با انتشار دو کتاب جدید درباره مولن اتفاق افتاده است: راز ژان مولن، اثر ژاک بی‌ناک (J.-Baynac)، زندگی و مرگ ژان مولن، (P. Péan) مورخ مشهور فرانسوی.

مضمون اصلی و جنجال برانگیز کتاب بی‌ناک بر این مبناست که مولن، به هنگام دستگیری‌اش در ۱۹۴۳، در تدارک بریدن از دوگل و دولت موقت او در لندن بوده؛ رفتار خوسروافه و گاهی متبکرانه ژنرال باعث ناراحتی شدید رهبران امریکا و بریتانیا شده بود. به گفته بی‌ناک، چهار روز قبل از توقیف مولن، یک مأمور مخفی امریکایی او را قانع ساخته بود که از دوگل جدا شود و دولتی را که ژنرال‌های فرانسوی در الجزایر تشکیل داده بودند و مورد حمایت امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها قرار داشت، به عنوان دولت برحق و مشروع فرانسه آزاد به رسمیت بشناسد. ظاهراً در جریان همین دیدار مأمور امریکایی با مولن در شهر لیون بود که جاسوسان آلمانی موفق به شناسایی او شدند و در ۲۱ ژوئن دستگیرش کردند. بنا به نظریه بی‌ناک، اگر توقیف مولن چند

روزی به تأخیر می افتاد، ژنرال دوگل تسلط خود را بر نهضت مقاومت از دست می داد، از رهبری فرانسه آزاد بر کنار می شد، و سرنوشت فرانسه بعد از جنگ به کلی در مسیر دیگری می افتاد.



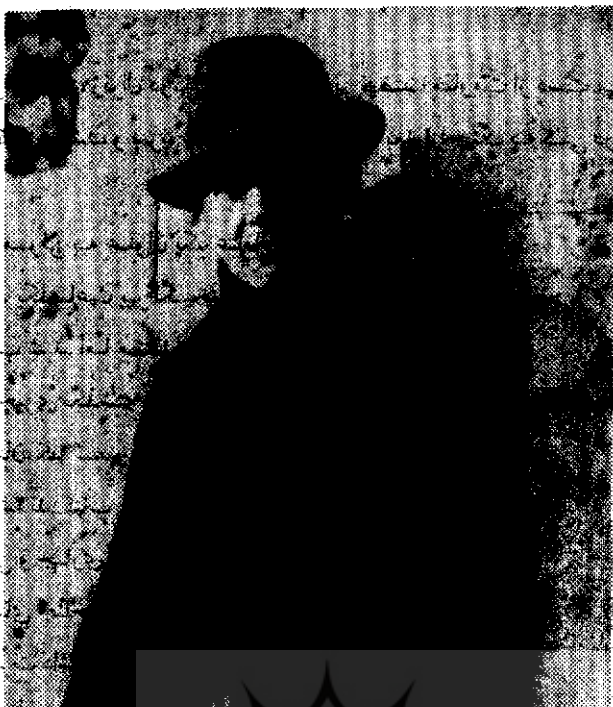
● دکتر هرمز مهابادی پور

توصیف مولن به عنوان یک عامل و همدست امریکا باعث برانگیخته شدن جنجالی غریب شد. اما منتقدان بر این کتاب بی ناک، چیزی نگذاشته بود که با نظر شدن اثر پشان، که تصویر بی نقصی از می کشید، آرام شدند. کتاب پشان از همان نظریه قدیمی و جاری است: مولن با یارانی هاردي، از اعضای جناحی از نهضت مقاومت که از دوگل نفرت داشتند و رهبری ژنرال مخالف بود، به مأموران اس اس لو داد. بنا به

تصویری دقیق و مستند که پشان از مولن عرضه می کند، قهرمان از طرفداران بی چون و چرای دوگل بود، و همو بود که توانست دستجات متنوع نهضت مقاومت را هماهنگ کرده و سازمان دهد و تحت رهبری دوگل باقی نگاه دارد.

هر دو نویسنده و کتابهای خود را بر مبنای شواهد و مدارکی نوشته اند که تاکنون به آنها استناد نشده بود. به گفته فرانسواز بداریدا (F. Bedarida) مورخ فرانسوی: «هر دو کتاب شامل افکار و اطلاعاتی است که مددکار پژوهشهای بعدی ما خواهد بود.» اما بداریدا، وقتی ناشر کتاب بی ناک - یعنی انتشارات دو سول (du seul) - از او خواست که به نوشتن نقد و تحلیلی قبیل از انتشار رسمی کتاب اقدام کند، تأکید کرد که کار یک مورخ به صرف کشف تعدادی اسناد جدید پایان نمی پذیرد. او می گوید: «بی ناک به نتایجی می رسد که هم مستند و هم مبتنی بر حدس و گمان است. بازای از شواهد او سنت و حتی از لحاظ تاریخی گمراه کننده است. مولن نمی توانست آماده رها کردن دوگل بنا به خواست امریکایی ها باشد.»

رابرت پاکستن (R. Paxton)، مورخ امریکایی که هر چند در آثارش خیلی مجرب فرانسوی های دوران مقاومت را نمی گوید، آنچه می نویسد به هر حال به صورتی است که فرانسوی های بی تاب نسبت به آن دوران طاقت خواندنش را دارند. بر این عقیده است که آنچه در کتاب بی ناک آمده، اولین معارضه با اسطوره استاندارد شده مولن نیست. «مولن نخست متهم شد که کمونیست است، در این اواخر بعضی ها او را یک جاسوس تام و تمام شوروی دانستند. اکنون هم



● ژان مولن

این کلیست دو آتشه را عامل امریکا معرفی می کنند. بعد چه؟ آیا او را عامل نفوذی، تازی ها نخواهند دانست؟» همو اضافه می کند: «به نظر من، این بحثها پیش از آنکه زمینه‌ای برای پژوهشهای تاریخی باشد، مطالبی اجناساتی و بحث برانگیز است که صنعت نشر فرانسه برای گرم کردن تنور خود بیرون می دهد.»

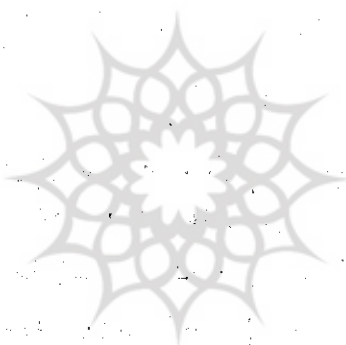
بین آنچه فرانسویها و متفقین آنها دو جنگ جهانی دوم درباره کم و کیف و اهمیت نهضت مقاومت می گیرند، هنوز هم تفاوت‌های بسیاری وجود دارد. این موضوع، و نیز احساس خفت ناشی از شکست ۱۹۴۰ و نقش مبهم که فرانسوی‌ها در دوران اشغال تازی‌ها بازی کردند، دست به دست هم داده و باعث می شود که نقش تاریخی ژان مولن، برای فرانسوی‌ها، بیش از پیش جنبه‌ای نمادین و عاطفی پیدا کند. پاکبستن می گویند. فرانسوی‌ها کشته و مرده قهرمانان ملی خود هستند، و مولن که قبل از نهضت مقاومت هیچ بنامی نظامی نداشت، قدا هم می کند تا به عنوان منجم کشور باعث افتخار فرانسوی‌ها در تاریخگرین دوران آنها شود.

بداریدا می گویند. در دوران اشغال، بخش کوچکی از مردم فرانسه با آلمان‌ها همکاری کردند، و بخش کوچک دیگری به مبارزه با آنها برخاستند. اما اکثریت عظیم مردم بناچار گرفتار گذران روزمره خود بودند. اینها گرچه اشغالگران را تحمل می کرده، از لحاظ روانی و عاطفی با نهضت مقاومت پیوند داشتند. از این رو، پیوند ملی با نهضت مقاومت، که مولن مظهر آن است، تا به

امروز اهمیت خود را حفظ کرده است.

علی‌رغم وجود اختلاف نظر فراوان درباره درستی شواهدی که در دو کتاب عرضه می‌شود و نتایجی که از این شواهد اخذ می‌گردد، بی‌ناک و پشان، هر دو، اطلاعات و جزئیاتی تازه درباره زندگی مولن در اختیار خوانندگان خود می‌گذارند. در عین حال، هیچ یک از آنها به گشودن این راز که آلمان‌ها چگونه از هویت مولن آگاه شدند و دستور بازداشت او را به کلاوس باری (K. Barbie)، رئیس گشتاپو در ناحیه لیون، صادر کردند، موفق نمی‌شود. همچنین، هیچ کدام درباره جزئیات دوران زندان و شکنجه مولن و مرگ او در ژوئیه ۱۹۴۳ چیز تازه‌ای نمی‌گویند. و طرفه آنکه همین معما بر رمز و راز حیات مولن می‌افزاید، و دوران مبهم دستگیری و زندان و مرگ او را بیش از پیش به صورت دستمایه‌ای برای برداشتها و اظهارنظرهای طرفداران و منتقدان نهضت مقاومت درمی‌آورد؛ هر کسی از ظن خود شد یار من!

نقل از نایم، مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۹



ژرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی